ات لغت

اسم چون

فعل چون

است از حال

از اینها یک

معناهای

جلادن حال

ضرب ضاربا ضربوا

شد زیراکه

بناست ثلاثی

ورباعی وخماسی و در هر یک ازین سه باب دو قسم است یکی
مجرد از زواید یعنی که هر حروف وی اصلی باشد و دیگری

چرا بدان گفت بجوان نگفت ازین جهت هر دانستن لازم وارد خواند [illegible] خواندن لازم
نیست و دانستنرا چرا بدان گفت اعلم نگفت ازین جهت بدان فارسی است اعلم عربی
چرا بدان گفت و افهم نگفت افهم در جای استعمال میشود که کلام پیش ازان گذشته باشد
اینجا کلام نگذشته است چرا بدان گفت و آگاه باش نگفت ازین جهة بدان در کلیات استعمال میشود
آگاه باش در جزئیات چرا ایّدَ گفت فعل ماضی است معنی مضارع را میدهد ایّدَ در سه جای معنی مضارع
میدهد یکی در دعا مثل ایّدک الله تعالی یعنی توفیق دهد ترا خدای تعالی هم درین دنیا و هم در آن
دنیا و یکی هم در خطبه مثل انکحت و زوّجت یعنی نکاح کردم من او را و یکی هم در نفرین مثل
تبّت یدا ابی لهب یعنی بریده باد دستهای ابی لهب چرا کلمات لغت عرب بر [illegible]
زیاد و کم نیست ازین جهت کلمه دلالت فی نفسه میکند یا نمیکند اگر میکند مثل آنکه [illegible]
دو قسم است مقترن با حد ازمنه ثلثه هست یا نیست آنکه هست فعل آنکه نیست [illegible]
[illegible] فعل مقدم داشتند ازین جهت اسم هم مسند است هم مسند الیه یعنی نسبت است
[illegible] مسند الیه است حرف نه مسند است نه مسند الیه [illegible]
[illegible] هم بر سه قسم است تغییر ذاتی تغییر صفاتی تغییر حال بحالی تغییر ذاتی مثل [illegible]
[illegible] تغییر [illegible] در [illegible] کردند [illegible] شد تغییر صفاتی مثل [illegible]
[illegible] تغییر [illegible] شد تغییر حال بحالی مثل انتقل [illegible]

اللهم يا خالق اللوح والقلم ويا جاعل

النور والظلم ويا رب الكعبة

والحرم ويا ملك الصفا وزمزم

بحق كل

الحمد



سطر جميل

قديم

بسم الله

عليكم

يا حكيم

يا حكم

يا عليم

چرا ابدان گفت بخوان نگفت ازین جهت هر دانستن لازم دارد خواندن را [illegible] خواندن لازم
نیست دانستن را چرا ابدان گفت اعلم نگفت ازین جهت بدان فارسی است اعلم عربی
چرا بدان گفت و افهم نگفت افهم در جای استعمال میشود که کلام پیش از آن گذشته باشد
اینجا کلام نگذشته است چرا ابدان گفت و آگاه باش نگفت ازین جهت بدان در کلیات استعمال میشود
آگاه باش در جزئیات چرا ایدک فعل ماضی است معنی مضارع را میدهد ایدک در سه جای معنی مضارع
میدهد یکی در دعا مثل ایدک الله تعالی یعنی توفیق دهد ترا خدای تعالی هم درین دنیا و هم در آن
دنیا و یکی هم در خطبه مثل انکحت و زوجت یعنی نکاح کردم زن را و یکی هم در نفرین مثل
تبت یدا ابی لهب یعنی بریده باد دستهای ابی لهب چرا کلمات لغت عرب بر سه
است زیاد و کم نیست ازین جهت کلمه دلالت فی نفسه میکند یا نمیکند اگر میکند فعل آنکه نمیکند
دو قسم است مقترن با حد از منه ثلثه هست یا نیست آنکه هست فعل آنکه نیست
[illegible] فعل مقدم داشتند ازین جهت [illegible] اسم مسند است [illegible] مسند
یعنی نسبت است
مسند الیه است [illegible] حرف نه مسند است نه مسند الیه تصریف
بر سه قسم است تغییر ذاتی تغییر صفاتی تغییر حال بحال تغییر ذاتی مثل [illegible]
[illegible] تغییر [illegible] در [illegible] تغییر صفاتی مثل اصبغت
[illegible] تغییر حال بحالی مثل انتقل الحمر [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

بدان ایدک الله تعالی فی الدارین که کلمات لغت
عرب بر سه گونه است اسم است فعل است حرف اسم چون
رجل و علم و فعل چون ضرب و دحرج و حرف چون من
و الی و تصریف در لغت گردانیدن چیز است از حال
بحالی و در اصطلاح علماء عبارتست از گردانیدن یک
لفظ بصیغهای مختلفه تا حاصل شود از انجا معناهای
متفاوته و تصریف در اسم کمتر باشد چون رجل رجلان رجال
و رجیل و تصریف در فعل بیشتر باشد چون ضرب ضربا ضربوا
یضرب یضربان یضربون و تصریف در حرف نباشد زیرا که
در حرف تصریف نیست و بدانکه اسم را سه بناست ثلاثی
و رباعی و خماسی و هر یک ازین سه بنا بر دو قسم است یکی
مجرد از زواید یعنی که همه حروف وی اصلی باشد و دیگری

وبدیهی خوانند انکه در حصول وی احتیاج باشد بنظر و فکر
تصور روح و ملک جن و امثال آن و این سه تصور نظری
خوانند و بدیهی نماسب تصدیق نیز بر دو قسم است
ضروری که ان محتاج نباشد بنظر چون تصدیق با
افتاب روشن است و آتش گرم است نظری
محتاج باشد بنظر و فکر تصدیق بانکه صانع موجود است
وعالم حادث است وغیر آن تصور بنظری سه رنه
تصور ضروری و تصدیق نظریه از تصدیق ضروری حاصل
میتوان کرد بطریق فکر و نظر و آن عبارت است از ترتیب
تصورات یا تصدیقات حاصل بر وجهی که ادا کند
تحصیل تصوری یا تصدیق که حاصل نبوده باشد چنانکه
حاصل شود تصور حیوان یا تصور ناطق جمع کنی و گوئی
حیوان ناطق از اینجا تصور انسان که حاصل نبوده باشد
حاصل شود چنانکه تصدیق بانکه عالم متغیر است حاصل یا تصدیق
حاصل شود تا که حادث است یا عالم [illegible] بانکه

بسم الله الرحمن الرحیم

التصریف في اللغة التغییر وفي الصناعة تحویل
الاصل الواحد الى امثلة مختلفة لمعان مقصودة
لا تحصل الا بها ثم الفعل اما ثلاثي واما رباعي
وكل واحد منهما اما مجرد او مزيد فيه وكل واحد
منها اما سالم او غير سالم ونعني بالسالم ما سلمت حروفه
الاصلية التي تقابل بالفاء والعين واللام من حروف العلة
والهمزة والتضعيف اما الثلاثي المجرد فان كان ماضيه